شهرام شاه‌حسینی، کارگردان «خانه دختر»:

فیلم ساختم تا ثابت کنم کارم را بلدم

عکس: امیرحسین غضنفری/ خبرگزاری سینما

زهرا نجفی – شهروند | شهرام شاه‌حسینی را پیش‌تر با فیلم‌های «کلاغ‌پر»، «زن‌ها فرشته‌اند» و «آقای هفت‌رنگ» می‌شناسیم. فیلم‌هایی که هر چند جزو سینمای بدنه محسوب می‌شوند اما خوش‌ساخت و برای مخاطبان جذاب بودند. حالا او بعد از ۶ سال دوباره به سینما بازگشته و فیلمی ساخته که با آثار گذشته‌اش بسیار متفاوت است. البته فیلمنامه «خانه دختر» را پرویز شهبازی، کارگردان و فیلمنامه‌نویس موفق نوشته و شاه‌حسینی این اثر را کارگردانی کرده. با این حال به‌نظر می‌رسد شاه‌حسینی با این فیلم راه جدیدی را در کارگردانی‌اش آغاز کرده است. شاه‌حسینی به غیر از این فیلم سینمایی، امسال سریال «همه‌چیز آنجاست» را هم کارگردانی کرده که این روزها از شبکه ۳ سیما در حال پخش است. با او درباره فیلم «خانه دختر» گپ و گفتی زدیم که در ادامه می‌خوانید.

شما بعد از ۶ سال با فیلم «خانه دختر» به جشنواره فیلم فجر آمدید، پیش از این گفته بودید فیلم‌های قبلی‌تان تنها برای ورود شما به سینما بودند و «خانه دختر» را فیلمی از جنس خودتان می‌دانید. حالا این فیلم آنطور که می‌خواستید شده است؟

نه در آن زمان این طور نبود که بخواهم برای آزمایش و خطا یا به خطر انداختن سرمایه کسی فیلم بسازم. درواقع فیلم ساختم تا به همه ثابت کنم کارم را بلد هستم. حتی از فیلمنامه بدی مثل «کلاغ‌پر» می‌توانم فیلم خوبی بسازم. درحال حاضر بازخوردهای متفاوتی می‌بینم؛ اما به‌نظر خودم ۵۰ تا ۶۰ درصد در کارم موفق بوده‌ام. البته فیلمنامه کار واقعا خوب بوده و بازی‌های فیلم «خانه‌دختر» خوب و قابل قبول هستند.

چطور شد که فیلمنامه «خانه دختر» به دست‌تان رسید و پرویز شهبازی این فیلمنامه را به شما داد؟ آیا خودتان هم تغییری در فیلمنامه اعمال کردید؟

من از سال‌ها پیش با پرویز شهبازی رابطه استاد شاگردی دارم و پیش از این معتقد بودم تا یک قصه خوب به دستم نرسد نمی‌توانم همین دانش اندکم را متبلور کنم یا پی به خلاقیتم در زمینه فیلمسازی نمی‌برم. در نتیجه به سراغ پرویز رفتم و او با گشاده‌دستی فیلمنامه «خانه دختر» را به من داد. زمانی که فیلمبرداری را آغاز کردم، تغییری در فیلمنامه ندادم؛ اما قبل از فیلمبرداری و بعد از گپ و گفت‌های من و پرویز فیلمنامه یک بازنویسی نهایی شد. تنها ۳،۲ صحنه بود که پرویز شهبازی به خاطر من تغییرشان داد.

فیلم «خانه دختر» اولین فیلمی است که محمد شایسته به صورت مستقل آن را تهیه‌کنندگی کرده است. همکاری با او چطور بود؟

همکاری با او فوق‌العاده بود. او کارش را دوست دارد و سینما را خوب می‌شناسد. به‌نظرم محمد شایسته به‌زودی به یکی از بهترین تهیه‌کنندگان سینمای ایران تبدیل می‌شود. او به خوبی حال کارگردان را می‌فهمد و می‌داند به او چه بگوید تا حالش خوب شود. به همین دلیل ما رابطه صمیمی با هم داشتیم. محمد همیشه کارهایی به نفع فیلم انجام می‌داد و کاری می‌کرد تا کارگردان و همه عوامل فیلم در راحتی بتوانند کار کنند.

شما چطور بازی حامد بهداد را در فیلم‌تان کنترل کردید؟

کار ویژه‌ای نکردم، من فقط او را به مرحله‌ای از خودش رساندم که متوجه شود اگر کاری هم نکند، بازی‌اش خوب در می‌آید. تنها کاری که کردم این بود که فیلمنامه را یک روز قبل از فیلمبرداری به او دادم، بنابراین فرصت این را پیدا نکرد که نقش را از زوایای متفاوت تجزیه و تحلیل کند. در طول فیلم ما کمی گیجی در نگاه حامد می‌بینیم که دلیلش همان تجزیه و تحلیل نداشتن فیلمنامه است. درواقع یک ناآگاهی اتفاق می‌افتد که به نفع فیلم و بازی اوست.

واکنش‌هایی که تا به حال از فیلم‌تان دیده‌اید، چطور بوده؟

در اکثر موارد با واکنش‌های مثبتی روبه‌رو شدم که برایم خوشحال‌کننده است. خصوصا این که همه به فیلمنامه خوب پرویز اشاره می‌کنند، البته از اجرای آن هم ناراضی نیستند. حالا باید دید که فیلم در جریان جشنواره به چه سمت و سویی کشیده می‌شود. اما در مجموع واکنش بدی ندیدم. با این حال فکر می‌کنم واکنش اصلی به فیلم در موقع اکران مشخص خواهد شد.

یادداشت منتقد

۱۰ فرمان شگفت‌انگیز بهرام توکلی در

«من دیگو مارادونا هستم»

آیه کیان‌پور
منتقد

فرمان یکم:
حال و هوای فیلمت را متفاوت خلق کن

بهرام توکلی، برخلاف کارهای پیشین‌اش این‌بار فضایی نیمه فانتزی را برای به تصویر کشیدن قصه‌اش انتخاب می‌کند. در این فضا با فرمی مدرن زندگی دو خانواده ایرانی را روایت می‌کند و هرج‌ومرج حاکم بر روابط را چه در ساختار روایی و چه در میزانسن، قصه و شخصیت‌پردازی کاراکترها به تصویر می‌کشد. فضایی که شاید خیلی هم در جامعه ما طرفدار نداشته‌باشد.

فرمان دوم: از خودت شروع کن ...

قصه با یک سرقت ادبی شروع می‌شود، کاری معمول که سال‌هاست بین روشنفکران ما اتفاق می‌افتد بدون این‌که آبی از آب تکان بخورد. بهرام توکلی اولین ضربه را به قشری می‌زند که خوب می‌شناسدشان و خودش هم عضوی از آن است خیلی هم بی‌راه نمی‌گوید در همین جشنواره آثاری ارایه شدند که اقتباس بودند و حتی نامی هم از اثر اصلی برده نشد. یک قصه به سرقت می‌رود و برای سارق کف می‌زنند. برای مارادونا هم دست می‌زنند وقتی با «دست خدا» گل‌های پیروزی تقلبی‌اش را بر دروازه می‌نشاند. اولین و کاری‌ترین ضربه پیرنگ فیلم را می‌سازد. حالا سارق ادبی از ترس جانش مجبور می‌شود قصه‌ای دیگر را بنویسد و به نویسنده مفلوک اهدا کند. انگار دروغ ساده‌ترین راه، برای حل مشکلات است.

فرمان سوم:
جامعه را با روشی هوشمندانه نقد کن

بهرام توکلی، بسیار هوشمندانه و با نگاهی طنز شرایط حاکم بر رفتار جامعه‌اش را به چالش می‌کشد. لطافت و گاهی تلخی این طنز باعث می‌شود که به جای روبه‌رو شدن با اثری نصیحت‌کننده یا غیرملموس، فیلمی روشن، پرهیجان و درعین حال عمیق را ببینیم. انتخاب این روش باعث می‌شود تماشاچی در عین لذت بردن از فیلم کم‌کم به لایه‌های زیرین پی ببرد.

فرمان چهارم:
به قصه‌های فرعی اعتماد کن

نقطه قوت فیلمنامه در این است که توانسته قصه‌های فرعی را در بستر قصه اصلی به هم برساند، طوری که نمی‌توان هیچ‌کدام از کاراکترها یا خرده قصه‌ها را از اثر کلی جدا کرد. هر کاراکتری علاوه‌بر این‌که در شکل‌گیری درام اصلی نقش موثری دارد خودش هم راوی داستان است و به نوعی نمادی از قشری از جامعه به شمار می‌رود. نمی‌توان از این واقعیت چشم‌پوشی کرد که به کار بردن این همه قصه در درامی ۹۰ دقیقه‌ای با اندکی کم‌دقتی می‌تواند اثر را به ملغمه‌ای پرتنش و بی‌سرانجام تبدیل کند و عدم این اتفاق در فیلم توکلی شایسته تقدیر است.

فرمان پنجم:
به بازیگران جوان تئاتری اعتماد کن

تمام بازی‌ها باورپذیر است اما در بین این بازیگران چهره‌های کمتر شناخته‌شده‌ای هم حضور دارند پانته‌آ پناهی‌ها، سارا بهرامی، میثاق زارع و... همه به خوبی توانسته‌اند از پس نقش‌هایشان بر بیایند طوری که هماهنگی و یکدستی در حوزه بازیگری، در سرتاسر فیلم به چشم می‌خورد.

فرمان ششم:
به نمادهای تکراری پشت کن

یک انتخاب مناسب دیگر در زمینه انتخاب بازیگر، جمشید هاشم‌پور قهرمان فیلم‌های دهه ۶۰ در سکوت روی یک صندلی نشسته و گاهی با میکروفن کلماتی مبهم می‌گوید. قهرمان ما دیگر حرف نمی‌زند دوره‌اش تمام شده، دوره رفتارهای قهرمانانه‌اش هم به سر رسیده و حالا گاهی برای روشنفکر قصه که ناگهان شروع به اعتراض بر سطحی‌نگری جامعه اطرافش می‌کند به تمسخر کف می‌زند. شاید اگر هر بازیگر دیگری این نقش را بازی می‌کرد فقط پدری پیر، بیمار و مفلوک را می‌دیدیم اما حالا جمشید آریا را می‌بینیم که سریال ترکی می‌بیند و ذرت بو داده می‌خورد.

فرمان هفتم:
همیشه بهترین‌ها را انتخاب کن

بار دیگر گلاب آدینه ثابت کرد که بازیگری ورای گفتن دیالوگ و اجرای میزانسن است. بازیگری که بارها خودش را در این عرصه با قدرت به نمایش گذاشته اما باز هم می‌تواند در دو نقش متفاوت بهترین لحظات را ارایه کند.

فرمان هشتم: صدا، تصویر و تدوین...
حالا حرکت کن

تیتراژ شروع فیلم حاوی یک مانیفست باشکوه است. در کشوری که هر کار گروهی منتهی به شکست می‌شود و همیشه تک قهرمان‌ها هستند که دیده می‌شوند بهرام توکلی اول فیلمش می‌نویسد: «فیلمی از بهرام توکلی، هومن بهمنش و...» یک گروه و یک کار درخشان. تصویربرداری، صداگذاری پیچیده فیلمی که بیشتر دیالوگ‌هایش در همهمه‌های جمعی برگزار می‌شود، همگی به ایجاد فضای مناسب و حال‌وهوای فیلم کمک کرده است. اگرچه گاهی شلوغی بیش از حد بعضی از صحنه‌ها و ریتم تند نماها آزاردهنده می‌شود.

فرمان نهم: عاقل بودن را رها کن...

هیچ‌کس در این فیلم یک رفتار عاقلانه از خودش بروز نمی‌دهد، همه یا درحال برون‌فکنی‌های بی‌سرانجامند یا قضاوت هم یا در حال ماله کشیدن. این نگاه منتقدانه به بررسی موشکافانه رفتارهای رایج روزمره می‌پردازد و درنهایت از یک سنگ کوچک که بر شیشه‌ای می‌خورد فاجعه‌ای غیرقابل جبران به بار می‌آورد.

فرمان دهم: خودت را در قصه پیدا کن

اگر دوباره به فیلم نگاه کنیم شباهت‌های بسیاری می‌بینیم بین خودمان و کاراکترها. بله، من، تو، ما! همه ما دیگو مارادونا هستیم...

هفتمین روز جشنواره فیلم فجر

یدالله صمدی مخاطبان را راضی کرد

هفتمین روز جشنواره فیلم فجر در کاخ جشنواره فیلم فجر با حضور گشت ارشاد و تمجید از فیلم خارج از مسابقه «پدر آن دیگری» همراه بود، درحالی که فیلم‌های «مزار شریف»، «آزادی مشروط»، «شیفت شب» و «شرفناز» که در بخش مسابقه حضور داشتند، نتوانستند مخاطبان را راضی کنند.

پرده‌برداری از حادثه «مزار شریف» بعد از ۱۰ سال

حسن برزیده بعد از ۱۱ سال با فیلم «مزار شریف» با بازی مهتاب کرامتی، حسین یاری، مسعود رایگان و... در جشنواره حاضر شده بود؛ اما این فیلم که درباره مسئولان کنسولگری ایران در مزار شریف افغانستان بود، نتوانست مخاطبان را راضی کند. برزیده درباره فیلمش گفته است: «ما می‌خواستیم در فیلم «مزار شریف» رفتار طالبانی که افراطی‌گرایی بوده، هست و خواهد بود را به تصویر بکشیم.» برزیده می‌گوید در فیلمش ماجرای واقعی را به تصویر کشیده: «همه‌چیز همان‌طور است که اتفاق افتاده و دخل و تصرف به معنای تحریف کردن ماجرا وجود ندارد.» بنابراین به‌نظر می‌رسد فیلم او بیش از آن که به‌عنوان یک اثر سینمایی مورد اهمیت باشد، به خاطر نشان دادن یک حادثه تاریخی بعد از ۱۲-۱۰ سال قابل تامل و توجه است. از طرف دیگر حضور چند ماشین گشت ارشاد از اوایل صبح جلوی ورودی کاخ جشنواره اندکی فضای پیشین جشنواره را برهم زد. گفته می‌شود پوشش نامناسب عده‌ای سبب شده تا گشت ارشاد متفاوت از سال‌های پیش به جشنواره فیلم فجر بیاید اما نکته جالب این است که عده‌ای از این موقعیت استفاده کرده و با نیروهای گشت ارشاد عکس می‌اندازند.

«شیفت شب» علامت سوال‌های زیادی را باقی گذاشت

برای فیلم «شیفت شب» به کارگردانی نیکی کریمی مولاوردی، معاون رئیس جمهوری در امور زنان از حاضران در سالن بود. آتیلا حجازی، فرزند زنده‌یاد ناصر حجازی در فیلم نیکی کریمی در نقش کوتاهی مقابل دوربین رفته است اما این فیلم نتوانست با واکنش خوبی از سمت مخاطبان روبه‌رو شود یا پایان مناسبی برای قصه‌ای که تعریف می‌کند، ارایه دهد. کریمی در دفاع از فیلمش می‌گوید برای من مهم این است که درباره درد جامعه‌ام صحبت کنم و به سریال‌های ماهواره‌ای که این روزها توانسته‌اند نظر مردم را به خود جلب کنند، اشاره می‌کند که: «گاهی برای بعضی از سمینارها درباره موضوع افزایش خیانت در جامعه دعوت می‌شوم؛ درحالی که یکی از دلایل افزایش خیانت همین سریال‌های ماهواره است.» اما همچنان سوالات زیادی هست که نیکی کریمی برای‌شان جوابی در فیلم ندارد.

تشویق‌های طولانی برای ساخته یدالله صمدی

در فیلم «شرفناز» که در سانس پنجم به نمایش درآمد، علی اوسیوند به همراه همسرش حمیرا ریاضی و دخترش به ایفای نقش پرداختند. هر چند این فیلم نتوانست نظر مخاطبان را به خود جلب کند اما «پدر آن دیگری» آخرین فیلم روز هفتم با تشویق‌های طولانی حاضران روبه‌رو شد. مهدی یارعزیزی، بازیگر کودک این فیلم پشت میکروفن صحبتی نکرد که صمدی کارگردان فیلم حرف نزدن او را مرتبط با فیلم عنوان کرد. بازی درخشان این کودک که در طول فیلم قادر به صحبت کردن نیست، بارها مورد تشویق قرار گرفت. صمدی در نشست خبری این فیلم به موضوع اقتباس در سینمای ایران اشاره کرد و گفت: «من افتخار دارم که طی سال‌های اخیر در کارنامه فیلم‌سازی‌ام اقتباس از رمان‌های داستانی نویسندگان کشورمان جزو مهم‌ترین اهداف کاری‌ام بوده است.» گلاب آدینه نیز در حاشیه این نشست خبری که یکی از شلوغ‌ترین نشست‌های خبری چند روز اخیر فیلم‌های سینمایی در برج میلاد بود، از اواسط نشست به سکوی اجرای برنامه آمد و بعد از خوش و بشی که با اعضای گروه داشت خطاب به حاضران در جلسه گفت: «با صدای بلند می‌گویم که ای کاش این فیلم در بخش سودای سیمرغ حضور داشت.»

بازیگران پررنگ روز هفتم

حسین یاری که در فیلم اول روز هفتم نقش اصلی را داشت در فیلم آخر نیز حضور داشت. هنگامه قاضیانی دیگر بازیگر دو فیلمه بود که «آزادی مشروط» و «پدر آن دیگری» را روز گذشته روی پرده داشت. حسین پاکدل هم در دو فیلم «آزادی مشروط» و «شیفت شب» نقش کوتاهی را بازی کرده بود. جمشید مشایخی در فیلم «پدر آن دیگری» نقش کوتاهی را عهده دار بود و ثریا قاسمی نیز با این فیلم پس از سال‌ها به سینما بازگشت. حسین مهکام که فیلم اول او «آزادی مشروط» با استقبال همراه نشد، درنگارش فیلمنامه فیلم یدالله صمدی نیز مشارکت داشت.

از حاضران در روز هفتم می‌توان به مجتبی راعی، حسن عباسی، تهیه‌کننده قدیمی، محمدرضا شرف‌الدین، ملک‌جهان خزاعی، سامان مقدم، فرشته طائرپور، سیدغلامرضا موسوی و حسین عابدینی بازیگری که یک‌بار موفق به دریافت سیمرغ بلورین شده است، اشاره کرد.

زمان اکران فیلم «محمد رسول‌الله» مشخص شد

کارگردان فیلم «محمد رسول‌الله» از نمایش این اثر در روز پنجشنبه ۲۳ بهمن خبر داد. مجید مجیدی اظهار کرد: اولین نمایش فیلم، روز دوشنبه ۲۰ بهمن برای جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر خواهد بود و هماهنگی لازم با ستاد جشنواره صورت گرفته است تا نمایش اختصاصی این فیلم برای منتقدان، نویسندگان سینمایی و اهالی رسانه روز پنجشنبه ۲۳ بهمن صورت پذیرد و قرار است دعوتنامه‌ها روز دوشنبه و سه‌شنبه توسط ستاد جشنواره تحویل داده شود. همچنین به گفته مجیدی این امر تا ۲۳ بهمن به دلیل برنامه‌ریزی نمایش فیلم‌ها در برج میلاد امکان ندارد و از پنجشنبه ۲۳ بهمن برج میلاد در اختیار جشنواره موسیقی فجر بوده و بلیت‌های این رویداد نیز پیش فروش شده است.

نتایج آرای مردمی در هفتمین روز جشنواره

رقابت تنگاتنگ «رخ دیوانه» و «عصر یخبندان»

طبق اعلام ستاد آرای مردمی جشنواره فیلم فجر، تا کنون ۲۴۱ نوبت نظرسنجی از تماشاگران فیلم‌های جشنواره تا روز هفتم انجام شده است. براساس این خبر، با شمارش ۵۵۴۷۷ رأی تماشاگران از ۲۴۱ نوبت نمایش تا روز هفتم جشنواره به ترتیب فیلم‌های «رخ دیوانه» به کارگردانی ابوالحسن داوودی با میانگین امتیاز ۳،۱۷، فیلم «عصریخبندان» به کارگردانی مصطفی کیایی با میانگین امتیاز ۳،۱۰ و فیلم «کوچه بی‌نام» به کارگردانی هاتف علیمردانی با میانگین امتیاز ۲،۹۶ تا این تاریخ به ترتیب رتبه اول تا سوم را به خود اختصاص داده‌اند.

اظهار نظر پرستویی درباره فیلمش

حضور پرویز پرستویی، بازیگر شناخته شده و موفق سینمای ایران به‌عنوان تهیه‌کننده فیلم «دو» به کارگردانی سهیلا گلستانی که با واکنش‌های متعدد اهالی رسانه، منتقدان و حتی برخی همکاران این بازیگر از جامعه هنرمندان به سبب ضعف‌های آشکار این فیلم مواجه بود، این بازیگر را وادار به اظهارنظر درباره این فیلم کرد. پرستویی در مراسم معرفی این اثر در سینمای «ملت» به‌عنوان یکی از سینماهای مردمی جشنواره سی‌وسوم فجر به شکل رسانه‌ای و عمومی اعلام کرد: «شرایط همکاری به‌عنوان بازیگر با خانم گلستانی و فیلمنامه خوب او مرا واداشت تا با این اثر به‌عنوان تهیه‌کننده همراه باشم.»

نگاه نو

به این راحتی‌ها هم نیست

فائزه عزیزخانی
کارگردان روز مبادا

یادم می‌آد بچه که بودیم می‌گفتن کسی به این راحتیا خوشبت نمی‌شه ...
ولی

یه روز که غذای مامان شور شده بود و من بهش گفتم: مامان غذای هیچ‌کس و هیچ جای دنیا رو به اندازه غذاهای تو دوست ندارم ...
بهش گفتم: مامان عاشق دست پختتم ...
اونم گفت: پاشو خالی نبند غذا شور شده، هل شدم می‌خواستم گرسنه نری بیرون ...
خوشبخت شدم.

جشنواره از نگاه دوربین

نیکی کریمی در نشست خبری فیلم شیفت شب

مهتاب کرامتی، مسعود رایگان و حسین یاری در نشست خبری فیلم مزار شریف

عکس: نسیم اعتمادی/ شهروند